

صدراعظم

تیمایک: ۰۷۲۸۹۳۰۰
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۱-۵
پیام رسان: ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
شهروندان گرامی با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفاً آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

ستون صدای مشاور و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ سوالات خود را از قضات دادگستری، وکلای و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

خبر کوتاه

زلزله هرمزگان رالرزاند

ظهر دیروز زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵.۶ ریشتر منطقه کوخرد هرمزگان در حوالی شهرستان بندرعباس را لرزاند. این زمین‌لرزه در عمق ۱۰ کیلومتری زمین رخ داد و حدود ۷ تا ۱۰ ثانیه طول کشید. زلزله هرمزگان در قشم، درگهان، روستاهای اطراف بندرعباس و همچنین

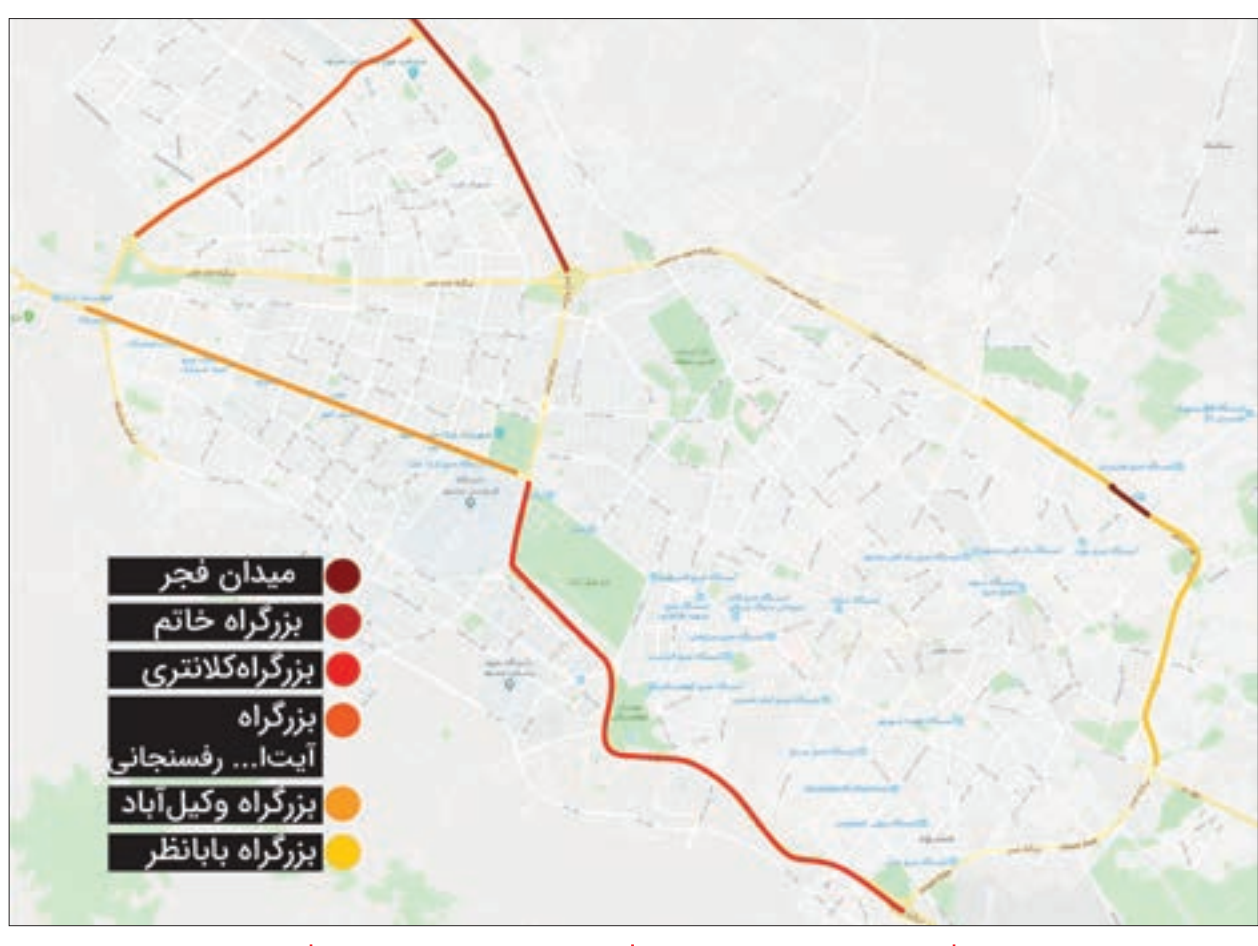
آخر خط

بویی که مگس‌ها دوست دارند (قسمت دوم)

مادر گفت: «هرز بار گفتم با یواش ببند. نه ۴ حرفه.»
مادر، خانه‌های جدول را با نوک مداد شمرد: «می‌گم ۴ حرفه.»
مریم کوچولو گفت: «شیرینی خیلی دوس دارن.»
نیما گفت: «تکی به خدا، جفت بودی می‌بستم به گاری.»
«ماما!!!»
«ولش کن عزیزم. منم دیدم‌ام خیلی شیرینی می‌خورن.»
نیما داشت در اتاقش را می‌بست. گفت: «جسد گندیده.»
...
پرده اول
خانواده باراد در این مدت خانه‌ای پیدا کردند. برای پدرش که بساز بفروش و رشک‌سته‌ای بود یک کار پیدا شد و مادرش مطب خودش را راه انداخته بود تا بدهی‌هایشان را تسویه کنند. خانه درست در همان محله بود. برای همین باراد هرروز به دیدن نیما می‌آمد. خلوت خودشان را داشتند و توی اتاق در می‌بستند. آن روز ظهر باراد توی اتاق بود. نیما تیر تیرش را تا سینه بالا داد و لبه آن را با چانه‌اش تگ داشت. بعد خط کتبی گرمکن آبی‌اش را کمی پایین داد و یک توی کوسه پیدا شد. باراد گفت: «ایول، کی زدی؟» نیما گفت: «دیروز عصر... حالا می‌تونیم مرحله بعد و انجام بدیم؟»
«آره، بز قش» دست‌هایشان را به هم زدند و باراد لب‌تاپ را برداشت. نیما پرسید: «هنگه قبلاً مراحل رو نرفتی؟» باراد گفت: «هربار که شروع کنی تغییر می‌کنه. اون بار اول باید به جای بدنمون رو می‌سوزوندیم بعد مرحله توبو بود. الان برای تو مرحله تورو زودتر آورد. ولی حال کردم خیلی تمیز زده برات.»
نیما کنار باراد نشست و به صفحه زل زد. مرحله جدید را به انگلیسی نوشته بودند. نیما سر در نمی‌آورد. باراد گفت: «توبت آدمس و پنجره.»
۲ بسته کوچک از جیبش بیرون آورد. پرسید: «بی‌تی یا ملوان زبل؟» نیما مانده بود چه بگوید. گفت: «ملوان زبل بود به بیچه‌هایی تیرور کن بیاد.»
باراد خندید: «خله اتفاقا ملوان زبل قوی تره.»
نیما حبه آدمسی را انداخت هوا و مستقیم توی حفره دهانش پایین آمد. باراد یک قرص کوچک گذاشت کف دست نیما و گفت: «با این بیشتر حال می‌ده.»
نیما بدون مکث قرص را بالا انداخت. باراد گفت: «دیوونه همه‌اش به جا نه»
نیما نشانه‌ای بالا انداخت و هرچه در زدند زیر خنده. بعد هندی‌زنی‌ها را توی گوش گذاشتند و از روی صندلی روی لبه آلومینیومی پنجره ایستادند. نیما حس می‌کرد دهانش را پر از ادویه کرده. براق دهانش مثل وقت‌هایی شده که می‌خواست

بزرگراه‌های حادثه‌خیز

بارندگی دیروز مشهد که به افزایش ۲۵ درصدی تصادف‌ها منجر شد، بیشتر در کدام بزرگراه‌ها خسارت به بار آورد؟



هوای مشهد پاییزی شده‌است، پاییز واقعی با برگ‌ریزان و باران و هوای دل‌چسبش. بارندگی ریه‌های شهر را شست و چشم شهروندان را به قامت کوه‌های اطراف شهر روشن کرد. اما این همه ماجرا نبود و در مقابل این زیبایی‌ها، ترافیک‌های کلافه‌کننده با چاشنی تصادف‌های گسترده، این زیبایی را به چالش کشید و بسیاری از شهروندان را به درسر انداخت. صبح هم‌زمان با آغاز بارندگی، ترافیک بزرگراه‌های مشهد را قفل کرد. تصادف‌های زیادی به پلیس گزارش شد و افراد زیادی در پیچ‌وخم ترافیک‌های غیرمنتظره گرفتار شدند.

رئیس پلیس راهور خراسان رضوی با اشاره به رشد بیست و پنج درصدی تصادف‌های صبح مشهد، یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش این تصادف‌ها را هم‌زمان شدن آغاز بارندگی با ابتدای حرکت سرویس‌های مدارس، ادارات و کارخانه‌جات مطرح و بیان کرد: اگر بارندگی زودتر آغاز می‌شد، شهروندان با توجه بیشتری بیرون می‌آمدند و شاهد این حجم از تصادف‌ها نبودیم.

به گفته سرهنگ حمیدرضا دهنوی، بیشترین ساعت بروز سوانح در روز گذشته از ساعت ۶:۳۰ تا ۷:۳۰ بود و با حضور همکاران ماو کنترل تردد خودروها، این آمار از ساعت ۸ به بعد فروکش کرد.

جاده‌های استان شاهد هیچ تصادفی که منشأ آن باران باشد نبودیم و تنها یک تصادف فوتی در محور تربت حیدریه به شادهر داشتیم که علت آن خواب‌آلودگی راننده و واژگونی خودرو بود. در این تصادف یک خودرو ساناتافه واژگون شد که ۲ سرنشین آن در دم جان باختند و ۲ سرنشین دیگر خودرو مصدوم شدند. فرمانده پلیس راه خراسان رضوی با اشاره به اینکه رانندگی در ابتدای بارندگی بسیار خطرناک‌تر از رانندگی در بارندگی مداوم است، در توضیح علت آن بیان کرد: معمولاً وقتی بارندگی نداریم، سطح جاده‌ها از ذرات جدا شده از لاستیک خودروها، روغن ریزی و ذرات خارج‌شده از آگزوها پوشیده می‌شود و آغاز بارندگی موجب حرکت این ذرات می‌شود و جاده را بسیار لغزنده می‌کند.

که رئیس پلیس راهور خراسان رضوی آن را تشریح می‌کند. هنگام بارندگی توجه کامل به جلو و بیشتر کردن فاصله با خودرو جلویی نکته مهمی است، چراکه نمی‌توان به ترمزهای خودرو اطمینان کرد، رعایت سرعت مطمئنه نکته‌ای است که توجه به آن خطر تصادف را به اندازه زیادی کاهش می‌دهد، البته توجه داشته باشید که سرعت مطمئنه با توجه به شرایط آب‌وهوایی متفاوت است و با سرعت مجاز یکی نیست.

همیشه وجود دارد، مربوط به نقاطی است که بیشترین حوادث در آن رخ می‌دهد. سؤالی که رئیس پلیس راهور خراسان رضوی آن را این‌گونه پاسخ می‌دهد: بیشترین حوادث معمولاً در بزرگراه‌ها و کمربندی‌های رخ می‌دهد، چرا که سرعت خودروها در این مکان‌ها بیشتر است.

میدان فجر، بزرگراه‌های خاتم، کلانتری، آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی، وکیل آباد و باانظر به ترتیب بیشترین فراوانی تصادف را داشتند که سرهنگ نوهی با اشاره به این موضوع اعلام می‌کند: دیروز بیشتر تصادف‌ها در بزرگراه‌های مشهد رخ داد.

جاده‌های آرام استان بر خلاف اتفاقات پشت سرهمی که دیروز در مشهد رخ داد، جاده‌های بارانی استان هیچ بحرانی را پشت سر نگذاشتند. به گفته سرهنگ امیدوار، فرمانده پلیس راه خراسان رضوی، روز گذشته در

اصولی برای رانندگی ایمن زیر باران رانندگی در هوای پاییز تجربه دل‌چسبی است اما نباید فراموش کرد که رانندگی در این فصل نیازمند رعایت اصولی است

برای شکستن خط قرمز مشهد در بحث مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر، نشان داشت. بررسی اطلاعات به دست آمده، حاکی از آن بود که افرادی تلاش می‌کنند یک محموله مواد مخدر را پس از جاسازی در یک خودرو سواری به مشهد برسانند. زمان به تندی پیش می‌رفت و اطلاعات

دیبیا از لحظه‌ای که مختصات خودرو به مأموران رسید تا زمانی که توانستند این خودرو را متوقف کنند، در مجموع مأموران ۱۲ ساعت زمان گذاشتند تا به نتیجه لازم برسند. اولین ترکش‌های این پرونده با اطلاعاتی به دست آمد که از تحرک مشکوک قاچاقچیان مواد مخدر

گزارش روز

شگر دنخ‌نمای قاچاقچیان مواد مخدر بی‌نتیجه ماند

تاریکی هوا، پای پیاده به سمت کوه‌ها گریخت. مأموران بازرسی خودرو را آغاز کردند و موفق به کشف ۲۶۹ کیلوگرم تریاک از درون این خودرو شدند که با شگرد مکارانه‌ای جاسازی شده بود. عملیات برای شناسایی و دستگیری متهم پرونده ادامه دارد.

خراسان رضوی، عملیات متوقف کردن خودرو را آغاز شد. با شروع عملیات، راننده پژو ۴۰۵ که در یک قدمی دستگیری بود، بدون توجه به هشدارهای مأموران بر سرعتش افزود و با رانندن خودرو به مسیری فرعی وارد جاده شهر خرو شد و در یک لحظه با رها کردن خودرو روشن و سوءاستفاده از

جدید نشان می‌داد که این محموله در یک خودرو پژو ۴۰۵ جاسازی شده است. با استعلام‌های صورت گرفته این خودرو در نزدیکی شهرستان نیشابور شناسایی شد. تیم گشت نامحسوس پلیس نیشابور، این خودرو را زیر نظر گرفت و با رسیدن دستور سردار تقوی، فرمانده انتظامی

برای شکستن خط قرمز مشهد در بحث مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر، نشان داشت. بررسی اطلاعات به دست آمده، حاکی از آن بود که افرادی تلاش می‌کنند یک محموله مواد مخدر را پس از جاسازی در یک خودرو سواری به مشهد برسانند. زمان به تندی پیش می‌رفت و اطلاعات

دیبیا از لحظه‌ای که مختصات خودرو به مأموران رسید تا زمانی که توانستند این خودرو را متوقف کنند، در مجموع مأموران ۱۲ ساعت زمان گذاشتند تا به نتیجه لازم برسند. اولین ترکش‌های این پرونده با اطلاعاتی به دست آمد که از تحرک مشکوک قاچاقچیان مواد مخدر

جدول ۲۷۹۷

لغای رشتته‌ای جدیدترین فیلم رسول صدرعاملی	درس شعر و شاعری مروارید	خورشید بازار یاب سیار	حرف‌هایم آشن ساده دندان‌شکستن	استعاره پیر پیر خور	گهواره «هندی» نامنظم	هر تیه شهر توت
سبکی در نطنز گشتزار تره‌بار	هواپیمای بی‌موتور	خواب نیمریزی	تلمبه مشهدی	میهن تلفنی درست کارخانه	خجالتی	عشق بچه‌بچه
داستان زغال‌سنگ	قارچ اجرت	پدر بزرگ کامرون	فلز سنگین اثر چربی	تلمبه مشهدی	خجالتی	عشق بچه‌بچه
نظیف تند سمت چپ	اسباب زحمت جواب مثبت	طلابه‌دار اعداد رختشوی	چوب مثلثی پس‌ندانی	تلمبه مشهدی	خجالتی	عشق بچه‌بچه
خاطر جمعی از احشام زورگو	نامی پسرانه	چوب مثلثی پس‌ندانی	فلز سنگین اثر چربی	تلمبه مشهدی	خجالتی	عشق بچه‌بچه

پاسخ جدول ۲۷۹۶: shahr.puzzle@shahrara.com

استخدام

نگهبان شب

ترجیحاً بازنشسته

تلفن: ۳۶۰۰۷

میلان

هر هفته پنجشنبه‌ها

ضمیمه رایگان روزنامه شهر آرا

کودک‌پشته

روزنامه مترجم مشهد

قسمت قبلی این داستان را اسکن کنید و بخوانید

استخدام

نگهبان شب

ترجیحاً بازنشسته

تلفن: ۳۶۰۰۷

میلان

هر هفته پنجشنبه‌ها

ضمیمه رایگان روزنامه شهر آرا

کودک‌پشته

روزنامه مترجم مشهد

قسمت قبلی این داستان را اسکن کنید و بخوانید